

به دنبال عینسی

زمانی برای نو شدن

| خوش آمدگویی : ۳ دقیقه

با نوجوانان ، گرم و صمیمی همراه با لبخند روبرو شوید. اگر شخص جدیدی بعنوان نو ایمان یا مهمان برای اولین بار در این جمع حضور داشت، خوشامد مخصوص در نظر گرفته شود. بطور مثال شخص جدید را به نام در جمع معرفی کنید و از نوجوانان نیز بخواهید تا خود را یک به یک معرفی کنند و یک نکته قابل توجه و جالب در مورد خودشان با سایرین در میان بگذارند.

| پرستش: ۸-۱۰ دقیقه

در این بخش با پرستش به صورت یوتیوب و یا در صورت امکان پرستش لایو نوجوانان را تشویق کنید که با شکرگزاری و پرستش جلسه را آغاز کرده و با انتظار و اشتیاق از کلام خدا بشنوند.

مثل باران بهاری

آبی روان ساز

| از یکدیگر می شنویم : ۱۰ دقیقه

با طرح چند سوال از نوجوانان آنها را برای تعلیم آماده کنید، از آنها بخواهید به سوالات زیر جواب بدهند. بهتر است که همه در پاسخ به سوالات مشارکت داشته باشند.

۱. فصل مورد علاقه شما چیست ؟ و چرا؟

۲. وقتی به فصل بهار می اندیشید اولین کلمه که به ذهن شما میرسد چیست؟

۳. در کدام یک از بخش های زندگی خود نیاز به چه تازگی دارید؟(برای مثال: در مسائل روحانی ، تحصیلی ، خانوادگی و یا رابطه‌ای)

جهت اطلاع مربی: به یاد داشته باشیم که جوی را در جلسه ایجاد کنیم تا نوجوانان بتوانند به راحتی صحبت کنند، و حتی کسانی که صحبت نمی کنند را تشویق کنیم تا در این بحث و گفتگو شرکت کنند تا صدای آنها هم شنیده شود برای مثال: (اسم یکی از نوجوانان که صحبت نمی کند را ببرید و از او بخواهید تا در این مورد نظرش را بیان کن) تا در این مشارکت فعالیت داشته باشد.

| تعلیم : ۲۰ دقیقه

همانطور که در سوالات بالا اشاره کردیم ، بهار ، فصل تازه شدن شکوفه دادن و نو شدن است . در فصل زمستان زمانی که برگ های درختان میریزد و چیزی جز شاخه ای خشک برای درختان باقی نمی ماند ، در فصل بهار تمام این خشکی ها و ترک ها جبران میشوند و تازگی را برای طبیعت به ارمغان می آورد؛ تازگی که با آن بوی خوش و زیبایی همراه است. تازگی که با زمستان خشک ،هیچ سنخیتی ندارد و باعث تعجب همگان است که یک درختی که چند ماه پیش هیچ برگي نداشت چطور به این شکل با شکوفه های زیبا و برگ های سبز ، خود را برای فصل بهار آماده میسازد.

همانطور که در طبیعتی که خداوند خالق آن هست چنین نو شدنی وجود دارد، در زندگی آدمیان هم به شکل های مختلف و در مسائل مختلف نو شدن وجود دارد؛ و وقتی از نو شدن حرف میزنیم یعنی مورد کهنه ای در زندگیمان وجود دارد که نیاز به نو شدن دارد. بیایم باهم از فصل پاییز شروع کنیم؛ فصلی که برگ های درختان به رنگ زرد درآمده و شروع به ریزش میکنند. در فصل پاییز طبیعت، خود را برای زمستان حاضر میسازند که بعد از زمستان تازگی به وجود آید. اگر طبیعت در فصل پاییز باقی بماند و برگ های زرد و خشکیده خود را برای همیشه نگه دارد درواقع هیچ تازگی برای طبیعت در فصل بهار به ارمغان نخواهد آمد.

پس در زندگی ما نیز باید از پاییز شروع کنیم مسائلی که در زندگی خود دچار زردی و خشکی شدند را باید رها کنیم تا امکان تازگی در بهار فراهم بشود.

زمان هایی هست که ما حضور خدا را کمتر احساس میکنیم، در واقع ما به خدا پشت کرده و با او قهر میکنیم و یا رابطه خود را کامل قطع میکنیم؛ زمانی هست که عیسی هرچقدر ما را صدا میکند ما جوابگوی او نیستیم و گوش خود را با حرف های دنیوی پر میکنیم و حتی در دنیا عیسی را انکار میکنیم؛ زمانی هست که همه ما تجربه کردیم و خواهیم کرد که در دنیای خود به هردلیلی غرق میشویم و هیچ کسی در کلیسا ما را درک نمیکند نه شبان نه خادمین و نه اعضای کلیسا؛ اینها همه احساسات مشابهی است که اگر شما آن را تجربه کرده باشید، با شخصیتی در کلام خدا که از او به عنوان (صخره ایی که کلیسا بر روی آن بنا شده) یاد شده است، هم تجربه هستید.

شخصی که روزی برای عیسی غیرتی باور نکردنی داشت و تمام چیزهایی که داشت اعم از زندگی روزمره، خانه، شغل و حتی قایق خود را رها کرد که از پی عیسی برود؛ فکر میکنم تا الان متوجه شدید که درباره چه کسی صحبت میکنیم، بله شمعون یا بهتر بگم پطرس!!!

پطرس نامی بود که عیسی در متی باب ۱۶ آیه ۱۸ به او داد و یکی از دوازده یار عیسی بود که به همراه برادرش راهی سفری طولانی با عیسی شد.

پطرس همانند اسم خود که به معنی صخره است همانطور که عیسی میخواست صخره ای شد برای بنای کلیساهای اولیه همچون انطاکیه و بعد تر کلیسای رم.

ولی پطرس همیشه در حال تأسیس کلیسا یا جلال دادن عیسی نبود، زمانی رسید که به گفته خود عیسی، پطرس سه بار عیسی ناصری که به گفته خود پطرس پسر خدا بود را انکار کرد و در زمستانی بسیار سخت قرار گرفت (لوقا باب ۲۲ آیات ۵۴ الی ۶۲) پطرس استاد خود، شخصی که اذعان داشت مسیح بود و سه سال با او زندگی کرد و معجزات او را دید را انکار کرد.

هیچ یک از شاگردان و دوستان و حتی برادرش احتمالا او را درک نکردند همه برای انکار کردن عیسی به او احساس گناه دادن و حتی خودش هم همانطور که در آیات لوقا گفته شد به تلخی بگریست.

ولی این انکار پایان کار پطرس نبود، او تصمیم گرفت برگردد و عیسی با او ملاقات کرد و فیض عیسی شامل حال او شد؛ در یوحنا باب ۲۱ آیات ۱۵ الی ۱۷ فیض خداوند شامل حال پطرس شد و سه بار انکار را عیسی با سه سوال جبران کرد.

این است فیض خداوند!!! بله این فیض خداوند است که اگر مانند پطرس، (شخصی که با عیسی زندگی کرد، عاشق عیسی بود) ولی او را انکار کرد، ما نیز به تجربه او دچار شویم و در قبال عیسی خطاهایی از ما سر بزنند، راه بازگشتی برایمان هست و پایان مسیر شاگرد بودن ما فرا نمیرسد. بلکه فقط تصمیم ما اهمیت دارد که آیا میخواهیم در همان زمستان زندگی خود بمانیم یا بازگشته به عیسی اجازه دهیم که ما را تازه کند.

پس اگر هر موردی در زندگی خود دارید که نیاز به تازگی دارند چه زمانی بهتر از این فصل بهار تا با تازه شدن طبیعت خداوند زندگی شما و هر چیزی که در زندگی نیاز به تازه شدن دارند را متحول کند.

گفتگو : ۱۰ دقیقه

در این بخش از نوجوانان بخواهید که مواردی که در زندگی خود همانند برگ های زرد پاییز باید خشک شوند و از خود دور بریزند را یادداشت کنند و به خداوند تقدیم کنند و دعای دسته جمعی برای نو شدن انجام دهند تا در این نو شدن سال، آنها هم از تازگی در هر نقطه از زندگی خود برخوردار شوند (نیازی نیست در دعا دسته جمعی به مواردی که میخواهند به خداوند تقدیم کنند اشاره شود)

آیه حفظی : ۵ دقیقه

از نوجوانان بخواهید که آیه زیر را به مدت ۵ دقیقه به صورت انفرادی خوانده و حفظ کنند. سپس به صورت داوطلبانه با صدای بلند از حفظ تکرار کنند.

زیرا همان زمستان درگذشته و موسم باران به سر آمده و رخت برپسته است! زمین گلشن گشته، زمان نغمه سرایی فرا رسیده، و آواز فاخته در ولایت ما شنیده می شود!

غزل غزلها ۲ : ۱۱ و ۱۲

قدم عملی:

از نوجوانان بخواهید که این قدم عملی را در جلسه انجام دهند :

۱. در کلام خداوند آیاتی در مورد تازه شدن پیدا کنید
۲. این آیات را در برگه های کوچک رنگی یادداشت کنید
۳. دیواری در کلیسا انتخاب کنید و این برگه ها را بر روی آن بچسبانید
۴. اجازه دهید این آیات تا پایان فصل بهار باقی بماند و باعث یادآوری برای شما و برکت برای سایر اعضای کلیسا شود.

بازی : ۱۵ دقیقه

به هر نوجوان یک عدد لیوان داده و از نوجوانان بخواهید که لیوان ها را روی سر خود بگذارند. هدف این بازی این است که لیوان های روی سر نوجوانان دیگر را بیاندازند بدون اینکه لیوان روی سرشان بیفتد آخرین نفری که لیوان بر سر خود دارد برنده این بازی است.